

بخش اول : مسائل پیرامون واقعیت و هستی

- در بخش اول کتاب سال یازدهم، چستی دانش فلسفه و رابطه آن با زندگی و اینکه موضوع دانش فلسفه «وجود» است، بیان شد.
- فلسفه، مسائل پیرامون «وجود» را بررسی می کند؛ بنابراین، اصل دانش فلسفه را «وجودشناسی» می گویند.
- «معرفت شناسی» که درباره حقیقت علم صحبت می کند و بخش دوم کتاب یازدهم را تشکیل می دهد، خود بخشی از هستی شناسی به معنای عام آن است؛ زیرا حقیقت علم، که «وجود ذهنی» نامیده می شود، خود از اقسام «وجود» است و این هستی است که به وجود ذهنی و وجود خارجی تقسیم می شود.
- مباحث اصلی فلسفه علاوه بر تقسیم وجود به وجود خارجی و وجود ذهنی، مباحثی مانند رابطه هستی با چستی و تقسیم وجود به علت و معلول، واجب و ممکن، ثابت و متغیر و مانند اینها را نیز شامل می شود.

▪ درس اول بخش اول : هستی و چستی

- یکی از مباحث اولیه فلسفه، تعیین نسبت دو مفهوم هستی و چستی (وجود و ماهیت) است؛ زیرا این دو مفهوم از پرکاربردترین مفاهیم میان انسان ها هستند و معمولاً در کنار هم به کار می روند.
- همواره در اطرافمان «چیزهایی» را یافته و به حسب نیاز، از آنها استفاده کرده ایم.
- گاهی چیزی را واقعی و موجود پنداشته ایم، اما اندکی بعد، به اشتباه خود پی برده و متوجه شده ایم که آن چیز، خیالی است و واقعیت ندارد؛ مانند گول، دیو، ققنوس، سیمرغ و سراب.
- وقتی کودکی می پرسد «این حیوان چیست؟» می داند که آن شی موجود است اما از ماهیت و چستی آن شی آگاه نیست. او می خواهد آن حیوان یا حیوانات دیگر را که همه موجودند، بشناسد و از چستی شان آگاه شود؛ هر چند که این آگاهی کامل نباشد.

□ مغایرت وجود و ماهیت در ذهن

□ توضیح معنی مغایرت :

❖ عین هم نبودن = یکی نبودن = دو چیز بودن = مختلف و متفاوت بودن = متمایز و از هم جدا بودن

□ هدف بحث مغایرت وجود و ماهیت :

❖ اثبات اینکه ؛ مفهوم وجود و ماهیت در ذهنی نیت و یکسانی ندارند

❖ وجود و ماهیت در ذهن دو چیزند (مختلف و متفاوت ، متمایز و از هم جدا هستند) .

نکته : چون وجود و ماهیت فقط در خارج یکسانند لذا موضوع بحث و اثبات ما نیستند .

۱- انسان در هر چیزی که مشاهده می کند، دو حیثیت می یابد :

حیثیت اول : حیثیت موجود بودن حیثیت دوم : حیثیت چستی داشتن .

۲- وجود، وجه مشترک موجودات است و ماهیت، وجه اختصاصی آنها.

- فارابی، فیلسوف بزرگ مسلمان، به نسبت میان «وجود» و «ماهیت» توجه ویژه ای کرد و در تمایز میان این دو مفهوم، نکاتی را مطرح نمود.

- ابن سینا، دیگر فیلسوف مسلمان، راه فارابی را ادامه داد .
- به عقیده ابن سینا وقتی می‌گوییم «هستی» و «چیستی» دو جنبه یک چیزند، به این معنا نیست که آنها دو جزء از یک چیزند که با هم ترکیب یا جمع شده‌اند؛ آن گونه که اکسیژن و هیدروژن دو جزء تشکیل دهنده آب هستند؛ حتی مثل کاغذ و رنگ کاغذ هم نیستند مگر مثلاً اگر کسی بپرسد چه رنگی است، می‌گوییم سفید است.
- وقتی می‌گوییم «انسان موجود است» تفاوت «انسان» و «وجود» فقط در ذهن و از جهت مفهوم است. لاً در خارج، دو امر جداگانه به نام «وجود» و «انسان» نداریم؛
- در خارج از ذهن، واقعیتی است که هر دو مفهوم را به آن نسبت می‌دهیم. به عبارت دیگر «انسان» و «وجود» دو مفهوم مختلف و متفاوت اند نه دو موجود جداگانه
- ابن سینا این بحث را ادامه داد و به نتایج دیگری هم رسید.
- به عقیده ابن سینا در دو گزاره «انسان حیوان ناطق است» و «انسان موجود است» حمل «وجود» بر «انسان» با حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» کاملاً متفاوت است. (دال بر مغایرت ذهنی وجود و ماهیت در ذهن)
- در عبارت «انسان حیوان ناطق است»، «حیوان ناطق» که محمول قضیه است، در تعریف انسان آمده است؛ پس «انسان» همان «حیوان ناطق» است
- به عبارت دیگر، دو مفهوم «حیوان ناطق» و «انسان» از یکدیگر جدایی ناپذیرند. هر انسانی حیوان ناطق است و هر حیوان ناطقی انسان است.
- اصو لاً لفظ «انسان» برای همین چیزی که «حیوان ناطق» است به کار می‌رود؛ همان طور که از واژه مثلث برای «شکل سه ضلعی» استفاده می‌شود و تفاوت آنها صرفاً در گستردگی شان است؛ یعنی حیوان ناطق مفهوم گسترده انسان است.
- بنابراین، حمل «حیوان ناطق» بر «انسان» یک «حمل ضروری» است و به دلیل نیاز ندارد؛ یعنی نمی‌توان پرسید چه عاملی باعث شد که شما «حیوان ناطق» را بر «انسان» حمل کنید.
- در عبارت «انسان موجود است» مفهوم «وجود» از مفهوم «انسان» جداست و جزء تعریف آن قرار نمی‌گیرد. بنابراین، میان «انسان» به عنوان یک «چیستی» و «وجود» رابطه ضروری برقرار نیست؛ به همین سبب، انسان، می‌تواند موجود باشد و می‌تواند موجود نباشد.
- بنابراین، حمل «وجود» بر هر «چیستی» از جمله «انسان» نیازمند دلیل است حال این دلیل ممکن است حسی و تجربی باشد یا عقلی محض.

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

اشاره‌ای گذرا به تاریخچه مغایرت وجود و ماهیت در ذهن

- توجه ویژه فارابی و بیان دقیق ابن سینا در بحث مغایرت وجود و ماهیت در ذهن بدین معنا نیست که فیلسوفان گذشته به این موضوع توجهی نداشته اند.
 - ارسطو در کتاب «مابعدالطبیعه» وجود را از ماهیت جدا می سازد، اما به توضیحات کوتاهی اکتفا می کند.
 - به علت توجه خاص ابن سینا، این بحث با عنوان «مغایرت وجود و ماهیت» و یا عنوان هایی مشابه، مقدمه طرح مباحث جدیدی قرار گرفت؛ به گونه ای که گفته اند «فرق بین ماهیت و وجود بی تردید یکی از اساسی ترین آرا و عقاید فلسفی در تفکر اسلامی است»
 - این نظر، پایه یکی از برهان های ابن سینا در اثبات وجود خدا به نام برهان «وجود و امکان» نیز قرار گرفت.
 - یکی از فیلسوفان بزرگ اروپا به نام «توماس آکوئیناس» که با فلسفه ابن سینا آشنا بود، این نظر را در اروپا گسترش داد و موجب مناقشات فراوانی در آنجا شد
 - توماس آکوئیناس همچون ابن سینا، این نظر را پایه برهان های خود در خداشناسی قرار داد و پایه گذار فلسفه توماسی-تومیسم در اروپا شد که هنوز هم به نام وی در جریان است.
 - فلاسفه دیگری مانند آلبرت کیبر و راجر بیکن نیز نظری نزدیک به توماس آکوئیناس داشتند.
 - آلبرت کیبر و راجر بیکن در قرن های ۱۳ تا ۱۵ میلادی فلسفه ای را در اروپا ترویج می کردند که بیشتر متکی به دیدگاه های ابن سینا و تا حدودی «ابن رشد» بود. همین امر فرصتی را فراهم کرد تا فلاسفه غرب از طریق ابن سینا و ابن رشد آبا فلسفه ارسطویی آشنا شوند؛ گرچه از قرن ۱۶ میلادی با رشد تجربه گرایی، این دیدگاه ها جای خود را به فلسفه های حس گرا و تجربه گرا دادند.
 - نظر ابن سینا مورد توجه فلاسفه مسلمان نیز قرار گرفت و زمینه گفت و گوهایی مهم فلسفی فراوانی را فراهم آورد که تا عصر ملاصدرا دنبال شد و تا امروز هم ادامه یافته است.
- نکات پاورقی جهت مطالعه کنکور :**
- فلاسفه، در قضیه «انسان حیوان ناطق است» و «مثلث شکلی سه ضلعی است» حمل را حمل اولی ذاتی و در قضیه «انسان موجود است» حمل را حمل شایع صناعی نامیده اند.
 - هرگاه مفهوم موضوع و محمول یکی باشد، حمل اولی ذاتی است.
 - هرگاه مفهوم محمول غیر از موضوع باشد، حمل شایع صناعی است.
 - البرت کیبر از پیشگامان رشد ارسطوگرایی در اروپاست.
 - توماس آکوئیناس از شاگردان البرت کیبر بود.